

ایران شناسی در اتریش

صابر قاسمی¹

چکیده

مطالعات ایران شناسی در اتریش، از زمان حمله عثمانی به قلمرو امپراتوری اتریش آغاز شد و از جنگ اول جهانی به بعد در جمهوری فعلی اتریش ادامه یافت. در حال حاضر کرسی و رشته تحصیلی ایران شناسی در هیچ یک از دانشگاه‌های کشور اتریش وجود ندارد و فقط در انستیتوی ایران شناسی فرهنگستان علوم در زمینه‌های گوناگون ایران شناسی تحقیق و پژوهش صورت می‌گیرد. این انستیتو از یک سو، به برنامه کمیسیون سابق برای تألیف نامنامه ایران ادامه می‌دهد و از سوی دیگر، در چارچوب پژوهش‌های علمی، فرهنگ قدیم و جدید ایران و نیز فرهنگ‌های متأثر از تمدن ایرانی در حوزه تمدن‌های مناطق آسیایی به بررسی و تحقیق می‌پردازد.

• واژگان کلیدی

ایران، اتریش، ایران شناسی

مقدمه

سابقه شرق‌شناسی در اتریش به شیوه علمی و آکادمیک به سال ۱۷۵۴م. بازمی‌گردد. در این سال، آکادمی شرق به منظور آموزش زبان‌های شرقی از جمله فارسی در وین تأسیس شد و آثار ارزشمندی به شکلی ترجمه و تألیف منتشر کرد. در حال حاضر دانشگاه وین و دیگر دانشگاه‌های این کشور در دیگر ایالت‌ها فاقد کرسی ایران‌شناسی و زبان و ادبیات فارسی است، اما رشته‌های عرب‌شناسی، اسلام‌شناسی و ترک‌شناسی و عثمانی‌شناسی در انستیتوی شرق‌شناسی دانشکده مطالعات فرهنگی و زبان‌شناسی این دانشگاه دایر است. البته تا چند سال پیش ۸ واحد زبان فارسی در این دانشکده تدریس می‌شد، اما اکنون به سبب مشکلات مالی و شاید سیاسی تعطیل شده است.

انستیتوی ایران‌شناسی^۱ (شرق‌شناسی) در آکادمی علوم اتریش^۲ وین فعال است؛^۳ پیشینه این انستیتو به کمیسیون ایران‌شناسی بازمی‌گردد که در سال ۱۹۶۹م. در فرهنگستان علوم اتریش تشکیل شد و تا سال ۲۰۰۲م. در قالب همین کمیسیون فعالیت داشت.

به سبب گسترش دامنه پژوهش‌های ایران‌شناسی، فرهنگستان علوم در نوامبر سال ۲۰۰۲م. کمیسیون ایران‌شناسی را به «انستیتوی ایران‌شناسی» ارتقاء داد. دامنه فعالیت این انستیتو مربوط به کشورهای ایران، افغانستان و تاجیکستان است که زبان رسمی آنها فارسی است، اما ایران‌شناسی همچنان در صدر مطالعات و طرح‌های

1. Institut Fur Iranistik

2. Die Osterreichische Akademie der Wissenschaften

3. رئیس فعلی انستیتو ایران‌شناسی آقای فلوریان شوارتز است. ریاست پیشین انستیتو با آقای فراگنر شرق‌شناس و ایران‌شناس شهیر اتریشی بود که ۲ سال قبل بازنشسته شد.

تحقیقاتی این انستیتو قرار دارد. انستیتو ایران‌شناسی که زیر مجموعه فرهنگستان علوم اتریش است، تنها فعالیت‌های پژوهشی را پیگیری می‌کند و فعالیت‌های آموزشی و تدریس بر عهده آن نیست.

در خصوص آموزش زبان فارسی برای غیر فارسی زبانان، چند مؤسسه در اتریش فعالیت می‌کنند که می‌توان به این موارد اشاره کرد: مؤسسه خاورشناسی هامر پورگشتال و مؤسسه زبان دکتر انگل هارت که به اتریشی‌های علاقه‌مند، زبان فارسی آموزش می‌دهند و همچنین مدرسه فارابی متعلق به جمهوری اسلامی ایران و چند مدرسه اتریشی که فرزندان ایرانیان مقیم در آنها تحصیل می‌کنند و در روزهای شنبه کلاس آموزش زبان فارسی برای دانش‌آموزان ایرانی دایر است.^۱

طرح‌ها و برنامه‌های انستیتو ایران‌شناسی

انستیتوی ایران‌شناسی در حال حاضر پنج طرح را پیگیری می‌کند، که هر یک چند طرح دیگر را با ارجحیت‌های پژوهشی^۲ شامل می‌شوند:

1. فرهنگ‌های شکل گرفته از فرهنگ ایران بین سنت و تجدد
2. نامنامه ایران / نام‌شناسی ایران^۳
3. پژوهش‌های ایران‌شناختی در رابطه با اتریش
4. شبکه پژوهش‌های ایران‌شناسی در اروپای مرکزی (CENIS)
5. ایجاد کتابخانه تخصصی ایران‌شناسی

1. گفت و گو با دکتر افسانه جلیل زاده (گشتر)، 18 آذرماه 1394 ش. سفارت جمهوری اسلامی ایران در وین.

2. http://www.oeaw.ac.at/iran/farsi/institu_mainresearch.html

3. Iranische Onomastik

اکنون در انستیتوی ایران‌شناسی پژوهشگران در زمینه‌های^۱ زبان‌شناسی، تاریخ، تاریخ هنر و ادبیات فعالیت می‌کند.

تاریخچه انستیتوی ایران‌شناسی^۲

پروفسور دکتر مانفرد مایر هوفر^۳، زبان‌شناس و متخصص زبان‌های هند و اروپایی، در حیطه تخصص خویش، علاقه ویژه‌ای به دانش زبان‌شناسی در زبان‌های ایرانی نشان می‌دهد. به همین سبب، فرهنگستان علوم اتریش برنامه‌ای برای گردآوری و ثبت همه نام‌های اشخاص در ایران از دوره باستان تا عصر حاضر دارد.

تشکیل کمیسیون تحقیقاتی برای تألیف نامنامه ایرانی با نظارت پروفسور مایر هوفر به عنوان سرپرست.	1969
تغییر نام به کمیسیون ایرانی	1972
تغییر نام به کمیسیون ایران‌شناسی	1988
انتخاب پروفسور دکتر یوخم شیندلر ^۴ (متونی ۱۹۹۴م.) به سرپرستی کمیسیون	1993
عهدداری سرپرستی کمیسیون از سوی پروفسور دکتر هینر آیشنر ^۵	1995
تأسیس انستیتوی ایران‌شناسی به جای کمیسیون، با مدیریت پروفسور دکتر برت گ. فراگنر ^۶ فراگنر ^۶ و گسترش فعالیت‌ها.	2002/11
استخدام پژوهشگر.	2004/06
ارزشیابی انستیتوی ایران‌شناسی توسط کمیسیونی بین‌المللی	2004/06

1. http://www.oeaw.ac.at/iran/farsi/institu_shakheha.html

2. http://www.oeaw.ac.at/iran/farsi/institu_tarikh.html

3. Manfred Mayrhofer

4. Jochem Schindler

5. Heiner Eichner

6. Bert G. Fagnier

تأسیس مرکز علوم آسیایی و انسان‌شناسی اجتماعی در فرهنگستان علوم اتریش؛ شامل انستیتوی ایران‌شناسی، انستیتوی تاریخ علوم انسانی و فرهنگی و پژوهشگاه انسان‌شناسی اجتماعی.	2006/04
سازماندهی ششمین کنفرانس اروپایی مطالعات ایران‌شناسی توسط انستیتوی ایران‌شناسی با برگزاری آن از سوی جامعه ایران‌شناسان اروپا ^۱ در وین	2007/09
کناره‌گیری پروفیسور برت فراگنر همزمان با بازنشستگی، از مدیریت انستیتوی ایران‌شناسی.	2009/12
انتخاب دکتر فلوریان شوارتز ^۲ با عنوان ریاست انستیتوی ایران‌شناسی	2010/01

بررسی سیر تاریخی ایران‌شناسی در اتریش

پیشینه ایران‌شناسی در اتریش دست کم به 200 سال پیش بازمی‌گردد؛ زمانی که یوزف هامر پورگشتال^۳ در سال 1809م. نخستین شماره نشریه یافته‌های شرق (یا: گنجینه شرق) را منتشر کرد. این نشریه ادبی ادواری تا سال 1819م. یعنی به مدت 10 سال منتشر می‌شد و مقالات و تحقیقات بسیاری در باره زبان، ادبیات و فرهنگ ایران و نیز معارف اسلامی در آن انتشار می‌یافت. مشهورترین ترجمه کامل دیوان غزلیات حافظ به زبان آلمانی متعلق به هامر پورگشتال است که میان سال‌های 1814 تا 1813 م. منتشر شد و همین ترجمه دیوان حافظ بود که گوته را شیفته حافظ کرد و بر اثر آن، دیوان غربی- شرقی را پدید آورد؛ پورگشتال در تأسیس آکادمی علوم اتریش در سال 1847م. نقش اساسی داشت.

کمیسیون ایران‌شناسی آکادمی علوم اتریشی، در واقع عنوان رسمی همین انستیتوی مطالعات ایران‌شناسی است که اکنون در وین فعالیت می‌کند.

1. Societas Iranologica Europaea
 2. Florian Schwarz
 3. Joseph Freiherr von Hammer-Purgstall

پس از جنگ‌های صلیبی، آنچه اروپایی‌ها و به ویژه اتریشی‌ها را از قرن ۱۶م. به بعد با فرهنگ شرق و به ویژه با فرهنگ ترکی- عثمانی آشنا کرد، جنگ‌های عثمانی علیه سرزمین‌های شرق اروپا بود. شماری از آن نبردها، در قلمرو حکومت خاندان اتریشی هابسبورگ روی داد. پراگ، وین و گراتس پایتخت‌های این امپراتوری وسیع و قدرتمند، قرن‌های متمادی از مراکز مهم فرهنگی و علمی اروپا به شمار می‌رفت، تا آنکه در قرن ۲۰ میلادی بر اثر جنگ اول جهانی، سرزمین‌های عمده آن، مانند بوسنی و هرزگووین، کرواسی، مجارستان، اسلونی، چک، بخش‌هایی از لهستان، گالزین (اوکراین غربی امروز)، باواریا و شمال ایتالیا (مانند ونیز و تریست) و پس از جنگ دوم جهانی نیز جنوب تیرول جدا شدند.

بنابراین، منظور از ایران‌شناسی در اتریش، مطالعات ایران‌شناختی پیش و پس از حمله عثمانی در محدوده حکومتی هابسبورگ‌ها است و از جنگ اول جهانی به بعد در جمهوری فعلی اتریش صورت می‌گیرد. صرف نظر از نتایج سیاسی و نظامی حمله عثمانی‌ها، دولت هابسبورگ به ویژه بعد از شکست مجارستان در سال ۱۵۲۶م. ناچار بود از سویی برای مذاکرات دیپلماتیک با دولت عثمانی و از سوی دیگر برای برقراری اتحاد سیاسی با حکومت صفوی در ایران، مترجمان زبده و مسلط به زبان‌های ترکی- عثمانی، عربی و فارسی را به استخدام در آورد.

گزارش‌ها و اسناد سیاسی هیأت‌های اعزامی اتریشی به دربار صفویان و نیز مکاتبات میان دولت هابسبورگ و شاهان صفوی از قرن ۱۶ میلادی به بعد، یعنی از زمان شاه طهماسب و پس از آن و همچنین اسناد مربوط به دوره قاجار، همگی حاکی از آشنایی مترجمان اتریشی با زبان فارسی است. بخش قدیمی این اسناد در

آرشیو دولتی اتریش در وین و بخش مربوط به روابط گسترده‌تر ایران و اتریش در دوران قاجار، هم در وین و هم در آرشیو وزارت امور خارجه ایران در تهران نگهداری می‌شود. بنابراین، از قرن شانزدهم میلادی به بعد و به ویژه پس از سفرهای هیأت‌های سیاسی اتریش به ایران بود که اتریشی‌ها از نزدیک با زبان فارسی و فرهنگ ایرانی آشنا شدند. کارشناسان و مسئولان خاورمیانه در اتریش که اغلب در خدمت امور دیپلماسی دولت هابسبورگ بودند، عزم جزم کردند به تحصیل و مطالعه در سه زبان عمده شرق: ترکی عثمانی، فارسی و عربی بپردازند.

از سال 1575م. به بعد، دولت اتریش برای تربیت و تعلیم مترجمان، به تدریج نوجوانانی را به صومعه کاتولیک‌ها در قسطنطنیه فرستاد، اما اقامت و تحصیل آنان اغلب با دشواری‌های گوناگون همراه بود. به همین سبب، سرانجام در سال 1674م. «انستیتوی زبان نوجوانان» در استانبول تأسیس شد. همزمان با آن، به دستور دولت هابسبورگ، کلاس‌های تدریس زبان فارسی، ترکی و عربی به سرپرستی یوهان باپدیس پودستا در دانشگاه وین نیز دایر گردید. این کلاس‌ها به مدت سه سال ادامه یافت و از شمار 18 دانشجوی شرکت‌کننده در این دوره، تنها سه نفر فارغ‌التحصیل شدند. آنها را در سال 1677م. همراه پودستا برای تکمیل مطالعات شرق‌شناسی در انستیتوی زبان نوبوگان به قسطنطنیه فرستادند. با سفر پودستا به استانبول، تدریس زبان‌های شرقی در دانشگاه وین متوقف شد و تا 150 سال بعد نیز همچنان متوقف ماند.

با این وجود، نیمه دوم قرن 17 میلادی آغاز دوران شکوفایی شرق‌شناسی در وین بود و این شهر از جمله مراکز مهم شرق‌شناسی اروپا به شمار می‌رفت. دو شرق‌شناس معروف، یوهان پودستا از ایتالیا و فرانکس م. منینسکی از آلمان در وین

اقامت گزیده بودند. پودستا ضمن تدریس در دانشگاه، چاپخانه‌ای در وین بنیاد نهاد که در آن برای اولین بار متون فارسی و عربی و ترکی به چاپ رسید. مشکلات فنی این چاپخانه را پس از سفر پودستا به عثمانی، مینسکی برطرف کرد و از آن پس چاپ متون شرقی در وین و دیگر شهرهای اتریش و مجارستان پیوسته توسعه یافت. نخستین کتابی که در سال ۱۶۷۸م. در وین به زبان لاتین و با متن فارسی چاپ شد، کتاب چهل ستون بود؛ پس از آن، لغت‌نامه‌ای چهار جلدی به زبان‌های عربی، فارسی، ترکی و لاتین که مینسکی میان سال‌های ۱۶۸۷ تا ۱۶۸۰ م. در وین تألیف و منتشر کرد.

نیاز مبرم حکومت هابسبورگ به متخصصان شرق‌شناسی و ایران‌شناسی و مشکلات و نارسایی‌های انستیتوی زبان نوجوانان در قسطنطنیه موجب شد که به دستور امپراتریس ماریا ترزیا، در سال ۱۷۵۴م. «آکادمی شرقی» به سرپرستی یوزف فرانتس در وین تأسیس گردد. در سر لوحه نامه‌ها و کتیبه ساختمان این آکادمی^۱ جمله‌ای فارسی نقش بسته بود: «از برای حق و از برای پادشاه»^۲

در این آکادمی از این سال به بعد، به مدت بیش از ۱۰۰ سال درس‌ها و پژوهش‌های شرق‌شناسی و تدریس فارسی و مطالعات ایران‌شناسی ادامه یافت. همچنین شرق‌شناسان و ایران‌شناسان برجسته‌ای پا به عرصه‌های علمی نهادند که در شناساندن فرهنگ شرق و ایران در اتریش و اروپا سهم به سزا داشتند. در کارنامه علمی این آکادمی، ترجمه‌ای لاتینی از اشعار برگزیده شاعران ایرانی وجود دارد؛ این اثر در سال ۱۷۷۸م. به سرپرستی دومین رئیس آکادمی، یوهان نکرپ و به همت اشتورمر و چند دانشجوی دیگر گردآوری و چاپ شد و آن را در مراسمی به

1. <https://www.da-vienna.ac.at/en>

2. هنوز هم این نشان بدون هیچ تغییری بر آرم و لوگوی اصلی آکادمی دیپلماتیک وین حفظ شده است.

امپراتریس ماریا ترزیا تقدیم کردند. دو سال بعد در 1780م. یک جلد از لغت‌نامهٔ چهار جلدی عربی، فارسی، ترکی و لاتینی تألیف مینسکی به کوشش یکی از دانشجویان، برناردوس فن ینیش در شکلی جدید بازنویسی شد و در وین انتشار یافت. بقیهٔ جلدها را سرانجام پالاو کلتسل تکمیل کرد. ینیش در سال 1782م. به سرپرستی هوک سومین رئیس آکادمی، کتابی در بارهٔ تاریخ ایران بر مبنای روضهٔ *الصفای* می‌خواند به زبان لاتین تهیه کرد و به چاپ رسانید. سال بعد، کتاب تاریخ ادبیات ایران، تألیف یوهان فریدل که بر پایهٔ نسخه لاتین رویسکی نوشته شده بود، در وین منتشر شد.

البته مطالعات علمی ایران‌شناسی در این آکادمی فقط به این آثار محدود نماند: یکی دیگر از دانشجویان آکادمی، یاکوب والن اشتاین که به ادبیات فارسی دلبستگی تمام داشت، به ترجمهٔ آثار مولانا جلال‌الدین روی آورد، اما حاصل کار او، که شامل 6 جلد ترجمه و تفسیر بود، متأسفانه در خانه‌اش در استانبول در 1798م. طعمهٔ حریق شد و او دیگر نتوانست اثر سترگ دیگر خود را که برگردان شاهنامهٔ فردوسی به آلمانی بود، به پایان رساند و تنها بخش کوچکی از آن را خود در سال 1810م. تحت عنوان یادداشتی بر شاهنامه به چاپ رسانید. بخش‌های دیگری از آن در سال 1813م. به کوشش هامر پورگشتال در نشریهٔ گنجینه شرق منتشر شد.

مهم‌ترین فارغ‌التحصیل آکادمی شرقی، که پس از نه سال تحصیل در وین بلافاصله در سال 1799م. به استانبول رفت و پس از آن هم یک بار دیگر به عثمانی و شام و مصر سفر کرد، یوزف فرای هامر پورگشتال بود. او را می‌توان به حق پایه‌گذار شرق‌شناسی و ایران‌شناسی در اتریش و تا اندازه‌ای اروپا دانست. وی پس از بازگشت

از سفر دوم در سال ۱۸۰۹م. نشریه ادواری «گنجینه شرق» را تأسیس کرد که تا سال ۱۸۱۹م. مقالات و متون بسیاری، از جمله در باره زبان و ادبیات و فرهنگ اسلامی ایران در آن منتشر شد. با انتشار نشریه ادبی گنجینه شرق در سال ۱۸۰۹م. فعالیت‌های ایران‌شناسی در وین پایگاه علمی برجسته‌ای به دست آورد.

هامر پورگشتال، دیوان حافظ را به آلمانی ترجمه و میان سال‌های ۱۸۱۴-۱۸۱۳م. در دو جلد منتشر کرد. شاعر و متفکر بزرگ آلمانی، یوهان ولفگانگ گوته که در وین نزد هامر پورگشتال با خطّ عربی آشنایی یافته بود، در ۱۸۱۳م. در وایمار، ترجمه دیوان حافظ به ترجمه هامر پورگشتال را خواند، آنگاه دیوان غربی- شرقی خود را آفرید. شمار دیگری از نویسندگان و شعرای مشهور آلمان، مانند یوهان گوتفرد هردر نیز از طریق هامر پورگشتال با ادبیات و تاریخ ایران آشنایی بیشتر یافتند.

صرف نظر از تأثیر ترجمه هامر پورگشتال بر «مطالعات حافظ‌شناسی» بعدی در اروپا، این ترجمه در سال ۲۰۰۱ م. و به مناسبت سفر رئیس جمهور وقت کشورمان به آلمان و مراسم روز حافظ در شهر وایمار بر سر آرامگاه گوته و همچنین برگزاری ماه آلمان در حافظیه شیراز، به صورت عکسی منتشر شد. چاپ عکسی این ترجمه پیش‌تر در سال ۱۹۹۹م. در آلمان صورت گرفت و به سبب استقبال از آن، چاپ دیگری نیز به زودی منتشر خواهد شد.

در سال ۱۸۱۸م. هامر پورگشتال در نشریه ادواری گنجینه شرق مجموعه‌ای با عنوان «تاریخ هنر زیبای سخنوری فارسی» با ترجمه آلمانی منتشر کرد که گلچینی از آثار دویست شاعر ایرانی بر اساس تذکره الشعراء دولتشاه سمرقندی بود. در این مجموعه، برای اولین بار ترجمه‌هایی از اشعار مولانا جلال‌الدین نیز ارائه شد.

وی پس از آن، ترجمه‌هایی از وامق و عذرا، گل و بلبل، گلشن راز شیخ محمود شبستری و آثار دیگری از شاعران ایرانی به دست داد. او آثار دیگری نیز در بارهٔ کلام و فلسفهٔ اسلامی، تاریخ حکومت عثمانی - که اخیراً به فارسی نیز ترجمه شده - و همچنین کتاب‌هایی در بارهٔ زبان و ادبیات ترکی و عربی نوشت. میان سال‌های 1853 و 1851 م. اثری از وی در شش جلد در تفسیر مثنوی معنوی مولانا جلال الدین در سلسله انتشارات آکادمی علوم اتریش منتشر شد. اصل این تفسیر متعلق به شیخ اسماعیل انقروی از درویش حلقهٔ مولویه بود (چاپ قاهره، 1251 ق.). دانشمند معاصر، خانم آنا ماریا شیمل در سال 1974 م. به مناسبت دویستمین سال تولد هامر پورگشتال، این اثر مهم را بازنویسی و با رسالهٔ دیگری از هامر پورگشتال در بارهٔ روح از دیدگاه مسلمانان، همراه با پیوستی از خود در آکادمی علوم وین منتشر کرد.

تحت تأثیر هامر پورگشتال، شاگرد آلمانی او فریدریش روکرت در سال 1819 م. ترجمه‌ای از بسیاری از غزلیات دیوان شمس به دست داد. اثر بزرگ دیگر وی، ترجمهٔ منظوم بخش‌هایی از شاهنامهٔ فردوسی به آلمانی بود که پس از مرگش منتشر شد. یکی دیگر از شاگردان هامر پورگشتال، وینسنس روزن تسویگ - شواناو در سال 1824 م. منظومهٔ یوسف و زلیخا اثر عبدالرحمان جامی را به آلمانی ترجمه کرد و همراه متن فارسی در وین به چاپ رساند. روزن تسویگ در سال 1838 م. گزیده‌ای از غزلیات دیوان شمس مولانا را به فارسی با ترجمهٔ منظوم آلمانی منتشر کرد؛ چنانکه در سال 1858 م. نیز ترجمهٔ دیوان حافظ از او منتشر شد.

شمار دیگری از فارغ‌التحصیلان آکادمی شرقی به تحقیقات در زمینهٔ ادبیات فارسی و ترجمه ادامه دادند: فرای هر شلشتا - شواناو در سال 1846 م. بهارستان جامی

و به سال ۱۸۵۲م. بوستان سعدی و در ۱۸۸۹م. منظومه یوسف و زلیخا را که در آن زمان تصور می‌شد از آن فردوسی است، به آلمانی برگرداند. فعالیت‌های ایران‌شناسی آکادمی شرقی از نیمه دوم قرن ۱۹ میلادی به بعد رو به کاهش نهاد. تدریس زبان‌های فارسی در بخش غیردانشگاهی، از سال ۱۸۵۱م. نخست به دانش‌سرای پلی تکنیک و از سال ۱۸۷۳م. در مدرسه دولتی زبان‌های شرقی و مدت کوتاهی نیز در آکادمی کنسولی ادامه یافت، که در سال ۱۸۹۸ م. به جای آکادمی شرقی ایجاد شده بود. سرانجام این آکادمی در سال ۱۹۶۸م. به آکادمی دیپلماتیک فعلی تبدیل شد و تدریس زبان‌های شرقی را کنار گذاشتند.

از حدود ۴۰ سال پیش و با تأسیس انجمن و آکادمی شرقی هامر پورگشتال؛ سنت دیرینه تدریس فارسی در آنجا ادامه یافت. یکی از کارهای اساسی هامر پورگشتال که از نظر تاریخ علم در اتریش اهمیت خاص دارد، کوشش وی برای تأسیس آکادمی علوم در وین بود. کوشش‌های وی در سال ۱۸۴۷م. به سرانجام رسید و خود او ریاست عالیۀ این آکادمی را تا سال ۱۸۴۹م. بر عهده داشت. تحقیقات ایران‌شناسی که از سال ۱۸۴۷-۱۷۵۴م. فقط در آکادمی شرقی صورت می‌گرفت، در این سال، در آکادمی علوم اتریش نیز مأوایی جدید یافت. پژوهش‌های متعدد و مهم، از نیمه دوم قرن ۱۹ میلادی تاکنون، در زمینه زبان و ادبیات فارسی و همچنین مطالعات بنیادی در باره زبان و تاریخ و فرهنگ ایران باستان، همگی در آکادمی علوم اتریش صورت گرفته است. پروفیسور مانفرد مایر هوفر در ۱۹۷۴م. در مقاله‌ای، همه این فعالیت‌ها را به تفصیل شرح داد.

یوهان فیلیپ وزدین در سال 1798م. زبان‌شناسی و مطالعات تطبیقی زبان‌های اوستایی، سانسکریت، لاتینی و ژرمنی را در دانشگاه وین پایه‌گذاری کرد و رساله دکتری خود را در همین زمینه در سال 1802م. ارائه داد. فریدریش شپیگل در سال 1853م. نخستین بار متن اوستا را در وین به چاپ رسانید و پس از وی، کارل فردیناند گلدنر نیز متون اوستایی را به سفارش آکادمی علوم اتریش در اشتونگارت چاپ کرد.

بسیاری از ایران‌شناسان دیگر، هم در آکادمی علوم و هم در دانشگاه وین و گراتس و سالزبورگ به تحقیق و تدریس مشغول بودند؛ از آن جمله فریدریش موئر که در باره فعل و ضمائر شخصی در زبان فارسی و نیز در باره گویش‌های متنوع فارسی مانند مازندرانی، کردی کورمانجی، زازا، زبان آسی و پشتو مشغول پژوهش بود؛ یا برنهارد گایگر که ضمن تحقیق در باره «امشاسپندان»، در آکادمی علوم، از سال 1919 تا 1938م. در دانشگاه وین نیز فارسی تدریس می‌کرد. از آثار ارزنده او فقه اللغه ایرانی است که از مآخذ مهم و اصلی این موضوع است. ماکسی میلیان بیتنر در باره زبان‌های ایرانی از آن جمله کردی مطالعاتی داشت و پژوهش‌ها و آثار کارل ادوارد زاخو در زمینه فقه اسلامی، آثار اوستایی، تاریخ خوارزم و علم نجوم ابوریحان بیرونی، همچنان اهمیت علمی خود را حفظ کرده است. فهرست‌نگارانی چون ه. کرافت، یوزف کارباچک، ه. لوین اشتاین، گوستاو فلوگل و دوروته آدودا، همگی آثار ارزشمندی در زمینه ایران‌شناسی منتشر کرده‌اند.

از سال 1969م. تاکنون، این گونه فعالیت‌های علمی، در «کمیسیون ایران‌شناسی» آکادمی علوم اتریش متمرکز شده است. این نهاد در سال 1969م. به همت زبان‌شناس معاصر و ایران‌شناس مشهور اتریش، پروفیسور مایر هوفر در آکادمی

علوم تأسیس گردید. دامنه فعالیت‌های پژوهشی این کمیسیون که از بدو تأسیس تاکنون رو به رشد بوده، در حال حاضر شامل زبان‌شناسی فارسی و دیگر زبان‌های جدید ایرانی مانند پشتو، بلوچی، کردی و نیز زبان‌شناسی فارسی باستان، اوستایی و دیگر زبان‌های ایرانی دوره هخامنشی، اشکانی، پارتی و ساسانی و پژوهش در ادبیات، تاریخ، فرهنگ، سکه‌شناسی، نام‌شناسی و باستان‌شناسی ایران است.

تاکنون در کمیسیون ایران‌شناسی و چند کمیسیون دیگر آکادمی علوم اتریش، آثار علمی برجسته و بسیاری منتشر شده است.

از طرح بزرگ و یازده جلدی «نام‌شناسی ایران» که هسته مرکزی پژوهش‌های کمیسیون را تشکیل می‌دهد، تاکنون دو جلد با جزوات متعدد از آن انتشار یافته است. از آثار مهم دیگر، چاپ عکسی بخش‌هایی از جامع التواریخ خواجه رشید الدین فضل الله همدانی با ترجمه آلمانی و تفسیر کارل یان است. مجلدات گوناگون اثر خواجه رشیدالدین در تاریخ هند، تاریخ غزها، تاریخ فرانک‌ها، تاریخ بنی اسرائیل و تاریخ چین منتشر شده و اکنون مدت‌هاست که نایاب است. تحقیقات باستان‌شناسی لرستان به همت خانم دوریت شوین و باستان‌شناسی مسجد دارابگرد و کتاب‌شناسی ایران به قلم راینهارد پوهانکا، سکه‌شناسی ساسانی به کوشش میسائیل آرام، همگی در سطح جهانی با اقبال رو به رو شده‌اند. افزون بر آن، کمیسیون فوق طی ۲۰ سال گذشته، همزمان با تحقیق در زمینه «نام‌شناسی حماسه‌های فارسی» همچنین مقالات متعددی را در باره شاهنامه و خمسه نظامی منتشر کرده است. چاپ عکسی نسخه ظفرنامه حمدالله مستوفی نیز، با مشارکت مرکز نشر دانشگاهی در تهران و وین انتشار یافته است.

شماری از آثار ناتمام ایران‌شناس اتریشی اهل گراتس، اتوفن ملتسر با همکاری انستیتوی زبان‌شناسی دانشگاه گراتس و با حمایت مالی نمایندگی جمهوری اسلامی ایران در وین و گراتس تکمیل و منتشر شده است؛ از آن جمله ترجمه آلمانی سفرنامه ناصر خسرو و گزیده‌ای از یازده قرن نثر فارسی، به فارسی و آلمانی و همچنین گزیده‌ای از غزلیات مولانا جلال الدین با عنوان «اگر تنهاست عاشق، نیست تنها» و 102 رباعی از دیوان شمس با عنوان «ای ماه روی، تو مخسب» به دو زبان آلمانی و فارسی. بزرگ‌ترین و مهم‌ترین اثری که از ملتسر با حمایت مالی نمایندگی سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی ایران در وین و گراتس برای چاپ آماده شد، لغت‌نامه فارسی-آلمانی او، با نزدیک به 80 هزار مدخل است.

سنت شرق‌شناسی و ایران‌شناسی در دانشگاه وین پس از دوره‌ای کوتاه، بیش از 150 سال متوقف ماند، اما دوباره از اواسط قرن 19 میلادی به بعد در دانشگاه وین رونق گرفت و در آغاز بیشتر جنبه اسلام‌شناختی و زبان‌شناختی تطبیقی یافت؛ در کنار زبان فارسی و تحقیق در ادبیات عرفانی فارسی، به فارسی باستان و زبان اوستایی دوره هخامنشی و زبان‌های پارتی و پهلوی دوره ساسانی و نیز زبان‌های سانسکریت و هندی، مصری و دیگر زبان‌ها نیز توجه شد. سنت شرق‌شناسی و ایران‌شناسی در دانشگاه وین با تأسیس «انستیتوی شرقی» در سال 1886م. پایگاه علمی نوینی یافت که اکنون نام آن «انستیتوی شرق‌شناسی» است.

تاریخچه فعالیت‌های ایران‌شناسی در دانشگاه وین تا سال تأسیس این انستیتو را پروفسور اسکار فایفر اخیراً در نشریه زبان منتشر کرده است. طی سال‌های 1971-1872م. این امکان وجود داشت که در دانشگاه وین و در چارچوب برنامه‌های درسی

انستیتوی شرق‌شناسی در رشته ایران‌شناسی با درجه دکتری فارغ‌التحصیل شد، اما با بازنشستگی پروفسور دودا در سال ۱۹۷۱م. و با تغییر ساختار این انستیتو و ایجاد بخش‌های مستقل برای رشته مطالعات ترکی و عربی، متأسفانه ایران‌شناسی را به عنوان رشته تحصیلی مستقل کنار گذاشتند، اما اکنون شماری از درس‌های مربوط به زبان و ادبیات فارسی، تاریخ فرهنگ و تاریخ هنر ایران در این انستیتو و نیز در چند انستیتوی دیگر دانشگاه وین از جمله انستیتوی زبان‌شناسی، «بخش زبان‌های هند و ژرمنی»، یا «انستیتوی مطالعات آسیای جنوبی، تبت و بودائیسیم»، «انستیتوی تاریخ هنر» و «انستیتوی حقوق» به عنوان دروس فرعی تدریس می‌شود.

افزون بر دانشگاه وین، در دانشگاه گراتس نیز تا اواخر دهه دوم قرن بیستم میلادی نیز امکان تحصیل و اخذ دکتری ایران‌شناسی وجود داشت، اما چون داوطلبی مراجعه نمی‌کرد، از دهه سی به بعد، این امکان از میان رفت. در حال حاضر، فقط زبان پهلوی ساسانی به همت پروفسور میتل برگر در انستیتوی زبان‌شناسی تطبیقی تدریس می‌شود. علاوه بر دانشگاه وین، در دانشگاه‌های سالزبورگ و اینسبروگ نیز گاه جلسات درس زبان‌های باستانی ایران در چارچوب رشته زبان‌شناسی تطبیقی، بخش زبان‌های هند و ژرمنی برقرار است. بنابراین، در هیچ یک از دانشگاه‌های اتریش، ایران‌شناسی به عنوان رشته‌ای مستقل تدریس نمی‌شود.

پژوهشگران اتریشی بسیاری بوده‌اند که بدون وابستگی به مؤسسات علمی یا آکادمی خاصی، برای ادامه مطالعات خود به ایران رفته‌اند و از این راه، خدمات گسترده‌ای به سنت ایران‌شناسی در اتریش کرده‌اند. از جمله یوزف تیفن تالر اتریشی که مدت‌ها در عهد حکومت مغول‌ها در هند می‌زیست و در سال ۱۷۸۵م. برای

نخستین بار تاریخ حکومت نادر شاه را نوشت، یا آلفونس گابریل که در باره کویرها و تاریخ ایران مطالعه می‌کرد و دانشمندان دیگر چون ویلهلم توماشک، فردیناند و آدام پولاک، اتو فن ملتسر، مونیکا هوتراستر.

در دو-سه دهه اخیر رشته ایران‌شناسی و کرسی ایران‌شناسی در دانشگاه‌های سرزمین‌های آلمانی زبان به تدریج رو به افول نهاده و در مواردی به طور مشخص رشته ترک‌شناسی جای آن را گرفته است، اما با فعالیت‌های هدفمند و مستمر و حمایت «سرزمین مادر» و تعاملات و مراوده‌های فرهنگی و علمی می‌توان در این زمینه گام‌های بلند و مؤثر برداشت.

در سال‌های گذشته، انستیتوی مطالعات ایران‌شناسی در وین و دانشگاه‌های گوتینگن، برلین، بامبرگ، توبینگن، هامبورگ و بن در آلمان از فعال‌ترین مؤسسات و دانشگاه‌های سرزمین‌های آلمانی زبان در رشته ایران‌شناسی بوده‌اند. فعالیت‌های این انستیتوی وابسته به آکادمی علوم اتریش، به ویژه از زمانی که پروفیسور برت فراگنر از دانشگاه بامبرگ آلمان به وین آمد، گسترده‌تر شد. در این سال‌ها، فراگنر و همکاران او، از جمله دکتر رستگار- که سمت معاونت انستیتوی مطالعات ایران‌شناسی را بر عهده داشت- مجموعه مقالاتی در قالب یک کتاب و به زبان آلمانی با این عنوان منتشر کردند: ایران‌شناسی در اروپا؛ دیروز، امروز، فردا. پروفیسور فراگنر اکنون در وین سکونت دارد و کوشش‌های او برای برقراری و استحکام روابط علمی- فرهنگی با نهادهای علمی و دانشگاهی ایران و دیگر سرزمین‌های فارسی زبان در طول سال‌ها فعالیت، چشمگیر و قابل توجه بوده است. اعزام دانشجویان آلمانی و اتریشی

رشته‌های مختلف ایران‌شناسی به این کشورها و به ویژه به ایران، از جمله فعالیت‌های شایسته فراگنر است^۱.

ایران‌شناسان و افراد علاقه‌مند به توسعه روابط علمی و فرهنگی دو کشور

پروفسور فراگنر. او در سال ۱۹۴۱م. در وین زاده شد. تحصیلات مقدماتی، دبیرستان و دوره اول دانشگاهی را در همان شهر به پایان برد. سپس از دانشگاه تهران بورس گرفت و حدود ۴ سال در این دانشگاه به تحصیل و تحقیق پرداخت. در سال ۱۹۷۰م. از رساله دکتری خود در دانشگاه وین با عنوان تاریخ همدان در شش قرن اول اسلامی دفاع کرد. این اثر در سال ۱۹۷۲م. در وین منتشر شد. پس از آن، مدتی در مؤسسه شرق‌شناسی بیروت، وابسته به انجمن شرق‌شناسی آلمان، به ویژه در بخش نسخه‌های خطی فارسی به کار تحقیق پرداخت. فراگنر در سال ۱۹۷۷م. از رساله استادی خود در اسلام‌شناسی با عنوان خاطرات‌نویسی ایرانیان دفاع کرد. این اثر، سه سال بعد در ویسبادن منتشر شد و ترجمه آن به فارسی نیز منتشر شده است. فراگنر از سال ۱۹۷۱م. همکاری با سمینار شرق‌شناسی دانشگاه فرایبورگ آلمان را آغاز کرد و در سال ۱۹۷۷م. پس از دفاع از رساله استادی، به استادیاری همان دانشگاه برگزیده شد. مدتی به عنوان استاد میهمان در دانشگاه وین و مدتی هم در دانشگاه برن سوئیس به تدریس پرداخت. وی در سال ۱۹۸۵م. با درجه استادی به دانشگاه برلین رفت و در سال ۱۹۸۹م. به دانشگاه اتو فردریش بامبرگ منتقل شد. از سال ۲۰۰۳م. تا زمان بازنشستگی در ۲۰۱۱م. با عنوان مدیر مؤسسه

۱. گفت و گوهایی نگارنده با دکتر نصرت اله رستگار (آذر- دی ۱۳۹۴ ش. سفارت جمهوری اسلامی ایران- وین)

ایران‌شناسی آکادمی علوم اتریش به فعالیت پرداخت و در این سمت، خدمات ارزشمند او به جهان ایران‌شناسی چشمگیر بوده است.

دکتر فلوریان شوارتز^۱. رئیس انستیتوی ایران‌شناسی مرکز آکادمی علوم

اتریش که پیش‌تر به عنوان پژوهشگر در آکادمی علوم اتریش فعالیت می‌کرد. وی میان سال‌های ۲۰۰۹-۲۰۰۵م. در دانشگاه واشنگتن و سیاتل در مقام استادیار گروه تاریخ فعالیت کرده بود. تحقیقات وی پیرامون ایران و آسیای مرکزی، علوم دینی در مناطق مرزی امپراتوری عثمانی و آثار تاریخی بخارا و سمرقند بوده است.

پروفسور دکتر مارکوس ریتر^۲. معاون گروه تاریخ هنر اسلامی دانشکده

تاریخ هنر دانشگاه وین. او در دانشگاه بامبرگ آلمان دانش آموخت و درجه دکتری خود را در رشته تاریخ اسلام و هنر اسلامی دریافت کرد. در سال ۱۹۹۷م. برای موضوعی تحقیقاتی به ایران آمد و در طول تحصیل در دانشگاه‌های ترکیه و مصر نیز به عنوان دانشجوی میهمان حضور داشت. وی در سال ۲۰۰۷م. جایزه اروپایی مطالعات ایران و در ۲۰۱۲م. نیز جایزه فارابی را احراز کرد.

دکتر نصرت اله رستگار. متولد ۱۳۲۱ ش. در کرمان. نخست در رشته

مهندسی مکانیک تحصیل کرد؛ اما در دوره کارشناسی ارشد، رشته زبان و ادبیات آلمانی را برگزید. پس از آنکه از دانشگاه تهران فارغ‌التحصیل شد، برای ادامه تحصیل در مقطع دکترا به خارج از کشور رفت. رستگار، مدرس تاریخ و فرهنگ ادبیات فارسی و تاریخ حکومت‌های اسلامی در شبه قاره هند، همچنین پژوهشگر بازنشسته

1. Dr. Florian Schwarz

2. Prof. Dr. Markus Ritter

انستیتوی ایران‌شناسی آکادمی علوم اتریش است و سال‌ها در این آکادمی در زمینه ایران‌شناسی به ویژه شاهنامه فعالیت کرده است.

دکتر افسانه گشتر^۱. (جلیل زاده)، جامعه‌شناس و پژوهشگر روابط میان

فرهنگی در آموزش، علم و دانش بین ایران و اتریش، در تهران متولد شد و تا پایان دوره دبیرستان در تهران زندگی کرد. وی پس از اخذ دیپلم متوسطه راهی اتریش شد و پس از فراگیری زبان آلمانی در ۱۹۹۱م. در رشته‌های مردم‌شناسی، جامعه‌شناسی و تاریخ معاصر در دانشگاه وین به تحصیل پرداخت. او در سال ۱۹۹۷م. در مقطع کارشناسی ارشد در رشته مردم‌شناسی با رتبه عالی فارغ‌التحصیل شد. موضوع پایان نامه وی *آیین عزاداری شیعیان ایران در ماه محرم از دیدگاه مردم‌شناسی* بود. او در سال ۲۰۰۳ م. با رتبه عالی به درجه دکترا در رشته جامعه‌شناسی دست یافت. موضوع رساله‌اش، *گردش نخبگان در جوامع در حال گذر بود*. وی از آغاز تحصیل در مقطع دکترا، به تدریس در مراکز علمی و دانشگاهی و آموزش عالی در اتریش، آلمان و بوداپست پرداخت و به همکاری در طرح‌های تحقیقاتی مشغول شد و پس از اتمام دوره آموزشی در زمینه "مدیریت تنوع فرهنگی" در شهر گراتس، در آکادمی علوم اتریش، در انستیتوی ایران‌شناسی به پژوهش پرداخت. موضوع پژوهش او *تبادل فرهنگ و دانش بین ایران و اتریش - پزشکی و مردم‌نگار اتریشی یا کوب ادوارد پولاک بود*. در ۲۰۱۳م. مدیریت طرح مطالعاتی بررسی همکاری‌های آموزشی و علمی میان ایران و اتریش. (وضعیت کنونی و چشم‌اندازها) از سوی دفتر نمایندگی اتریش برای همکاری‌های بین‌المللی در آموزش، علم و پژوهش (OeAD) به او سپرده

1. Dr. Afsaneh Gächter

شد. این نهاد، زیر پوشش وزارت علوم اتریش به برنامه‌های مبادلات آکادمیک و هماهنگی در اجرای آنها رسیدگی می‌کند. او در حال حاضر به عنوان پژوهشگر و مشاور برای برقراری روابط دو جانبه علمی و دانشگاهی میان ایران و اتریش مشغول کار است و در دانشگاه پزشکی وین در انستیتو تاریخ پزشکی، در باره روابط پزشکی میان ایران و اتریش پژوهش می‌کند. دکتر افسانه گِشتر (جلیل زاده) تاکنون چندین کتاب و مقاله علمی به زبان‌های آلمانی، انگلیسی و فارسی منتشر کرده است.

آشنایی با انستیتو مطالعات ایران در آکادمی علوم اتریش

به طور رسمی ۸ پژوهشگر در مقاطع دکترا یا بالاتر، از کشورهای اتریش، آلمان، روسیه، ایتالیا و بلغارستان، مستقیم یا غیرمستقیم در انستیتو ایران‌شناسی اتریش^۱ بر جنبه‌های گوناگون تاریخی، فرهنگی و ادبی ایران‌باستان و ایران معاصر پژوهش می‌کنند. در این بخش، کتابخانه بسیار بزرگی شامل هزاران کتاب قدیمی و بالارزش به زبان فارسی وجود دارد که گردآوری و نگهداری آنها حاصل زحمات چند ساله محققان و پژوهشگران مرکز ایران‌شناسی است. در حال حاضر، آقای دکتر فلوریان شوارتز از ایران‌شناسان برجسته اتریشی، راهبری این مجموعه را بر عهده دارد. اغلب پژوهشگران انستیتو ایران‌شناسی اتریش به شیوه علمی و دستوری با زبان فارسی آشنایی کامل دارند و علاوه بر تسلط بر چند زبان غربی، با زبان‌های ترکی و عربی هم آشنا هستند.

1. <http://www.oeaw.ac.at/iran>

بدیهی است که انستیتو ایران‌شناسی اتریش به موضوعات مربوط به اتریش توجه خاص دارد که از جمله آنها عبارت است از تدوین فهرست نسخه‌های خطی فارسی موجود در کتابخانه ملی و آرشیو دولتی اتریش که به همت زنده یاد استاد ایرج افشار انجام شد. این انستیتو در طرح‌های بین‌المللی از جمله "مینیاتورهای شاهنامه" در دانشگاه کمبریج، "هویت‌های ایرانی" در پاریس و ایجاد "شبکه پژوهش‌های ایران‌شناسی اروپای مرکزی"^۱ نیز همکاری‌هایی داشته است.

همکاری‌های مشترک

دکتر سید رضا صالحی امیری، مشاور رئیس جمهوری و رئیس سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران در دیدار با دکتر شوارتز رئیس انستیتو مطالعات ایران در آکادمی علوم اتریش در وین به تاریخ ۱۴ آذر ۱۳۹۴ ش. در خصوص این موارد مذاکره کرد و مقرر شد همکاری دو طرف در زمینه‌های زیر استمرار یابد:

۱. تعریف طرح مشترک دو کشور ایران و اتریش برای تبادل اسناد، تهیه

نسخه‌های دیجیتالی از اسناد و برپایی نمایشگاه‌های فرهنگی

۲. مطالعه مشترک بر اسناد دو کشور

۳. نشست خبرگان دو کشور برای بررسی روابط و توسعه آن

بر اساس این تفاهم، مقرر شد رئیس انستیتوی ایران‌شناسی اتریش در اردیبهشت سال ۱۳۹۵ ش. به تهران سفر کند و یادداشت تفاهمی در باره موارد مذکور تهیه شود تا به امضای دو طرف برسد. این سفر در وقت مقرر انجام شد و آقای دکتر

۱. گفت و گو با دکتر فلوریان شوارتز، رئیس انستیتو ایران‌شناسی در اتریش، (۶ اسفند ماه ۱۳۹۴ ش.).

شوارتس همراه چند نفر از اعضای این مرکز، در تهران، ضمن دیدار از سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران در نمایشگاه کتاب تهران نیز حاضر شد.^۱

نتیجه

بخش و رشته ایران‌شناسی، علی‌رغم گذشته بسیار درخشان در دو قرن پیشین در دانشگاه وین، به سبب قطع حمایت‌های مالی لازم از سوی دولت اتریش، در سال‌های اخیر و همچنین ملاحظات سیاسی به فراموشی سپرده شده است. در حال حاضر، تنها رشته‌های عرب‌شناسی و ترک‌شناسی در این دانشگاه دایر است. بدیهی است که با توجه به حضور چشمگیر دانشجویان ایرانی و غیرایرانی در دانشگاه‌های گوناگون اتریش، در صورت راه‌اندازی کرسی زبان فارسی و رونق رشته ایران‌شناسی این بخش با استقبال رو به رو خواهد شد.

۱. گزارش مربوط به سفر آقای صالحی امیری، تهیه‌کننده گزارش: صابر قاسمی، تاریخ سفر ۱۴ آذر ۱۳۹۴.

منابع و مأخذ

کتاب‌ها:

- ملاقات‌های انجام شده توسط کارشناس سیاسی سفارت جمهوری اسلامی ایران با آقای دکتر نصرت‌اله رستگار، تاریخ ملاقات‌ها: ۱۲ مهر سال ۱۳۹۴ و ۱۸ آذرماه ۱۳۹۴، محل ملاقات‌ها: سفارت جمهوری اسلامی ایران در وین.

- دست نوشته‌های دکتر نصرت اله رستگار، تاریخ ۱۲ مهر ۱۳۹۴، سفارت جمهوری اسلامی ایران در وین.

<http://www.oeaw.ac.at/iran/farsi/institu.html>

<http://www.ensani.ir/fa/content/99038/default.aspx>

<https://www.da-vienna.ac.at/en/>